



حقوق بین الملل ورای منفی نگری و انتقاد

■ نویسنده: گابریل ال املنترل
■ منبع: ورک اسلش لاگ

و نابرابری ساختاری در روابط بین الملل نسبت به کارشناسان حقوقی، امر بیرونی در نظر گرفته می‌شود، اما دیوید کندی نشان می‌دهد که در واقع کارشناسان با فراهم آوردن زمینه تصمیم‌ها، حکومت می‌کنند. هرچند آن زمینه، نتیجه طبیعی کارهای پس‌زمینه است و کارهای پس‌زمینه شامل دانش اجتماعی برساخته متخصصان در مورد علایق و حقایق مرتبط با تصمیم‌گیری می‌باشد. کوتاه سخن آن که، حتی کارشناسان حقوقی نیز در ساخت واقعیت و چنین پس‌زمینه‌ای از دانش مشارکت دارند که نتیجه آن بازتولید قانون وضع موجود است و منفی‌نگرها آن را به صورت پیش‌فرض می‌گیرند.

از سوی دیگر منتقدان به دقت مشغول انجام کارهای خود هستند تا تغییری در جریان اصلی دانش پس‌زمینه ایجاد کنند. همان‌طور که در مجموعه انتقادی بورس‌های تحصیلی حقوق بین‌الملل مشخص شده، مشکل این‌جا است که دانشمندان منتقد نسبت به تعیین مسأله‌ای که لازم است اصلاح یا تغییر در آن صورت بگیرد و این که این اصلاح بر چه مبنایی باید باشد، بی‌میل و

نتیجه‌گیری‌ها و ارزیابی‌هایی از ایجاد تغییر معنادار در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل که به شدت منتقد آن نیز هستند، عاجزند.

در این یادداشت قصد طرح برخی دلایل اولیه چرایی این مسأله را دارم. در همین راستا، نخست نقش (منفی‌نگرانه و انتقادی) متخصصان حقوقی را در نظر می‌گیرم که نه تنها حقوق، بلکه متخصصان حقوقی را نیز دارای پیامدهای توزیعی واقعی می‌دانند. سپس به اهمیت باور داشتن امکان تغییر در آن فضا اشاره می‌کنم و در نهایت، توجهات را به برنامه جایگزینی جلب می‌کنم که به مشکلات جهان و راه‌حل‌های آن، نگاه حقوقی کمتری داشته باشد.

درباره نقش منتقدان: جبرگرایی یا اصلاحات؟

برخی اوقات واقعیت سیاست‌های قدرت

در عصر جدید حقوق بین‌الملل انتقادی مسیرهایی را گشوده است که نیروهای استعماری و سلطه‌گر به واسطه آن از زمان تأسیس نظام حقوقی بین‌الملل تا به امروز در آن حضور داشته‌اند. طبق ادعاهای دیوید کندی^۱ تنها استفاده حکمرانان مستبد نیست که نظام حقوقی بین‌المللی را مشروعیت می‌دهد، بلکه استفاده ظریف اما قاطع متخصصان و کارشناسان نیز باعث ممکن ساختن، بازتولید، قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به این نظام حقوقی بین‌الملل می‌شود.

با وجود چنین استنتاج‌های ویرانگری پیرامون حقوق بین‌الملل و نقش کارشناسان قانونی در بازتولید آن، منفی‌نگری نسبت به پروژه‌های حقوقی را می‌توان واکنشی طبیعی دانست. آنچه به اندازه کافی توجه دیگران را به خود جلب نمی‌کند، تأثیر انتقاد و منفی‌نگری در جهان واقعی است. من به این درک رسیده‌ام که منفی‌نگری نسبت به انتقاد از حقوق بین‌الملل و کارکردهای آن می‌تواند به طور اشتباهی به ثبات و مشروعیت‌یابی وضع کنونی بیانجامد. به بیان دیگر می‌خواهم بدانم چرا و چگونه چنین